

## بیمه از نظر حقوق مدنی

### مبحث پنجم خطر

### قسمت سوم تغییر خطر

« ۱۹ »

غالباً شرایط خطراتیکه بیمه آنها را پوشش نموده است پس از امضاء قرارداد در طول مدت بیمه تغییر میکند!

اگر تغییر مزبور شامل تخفیف یا تنزل خطرات باشد نمیتواند در عقد مؤثر واقع گردد ولی برعکس هرگاه این تغییر موجه تشدید خطر گردد عقد مزبور غیرطبیعی بنظر میرسد و بیمه گر اصولاً میتواند غیرطبیعی بودن آنرا اعلام نموده و اضافه حق بیمه را تعیین کرده به بیمه گذار پیشنهاد کند.

و در صورتیکه او حاضر برای پرداخت حق بیمه اضافی نگردد عقد را فسخ نماید. در موضوع بیمه ارضی و مخصوصاً در بیمه حریق معمولاً در بیمه نامه ها مقرر میشود که هرگاه شرط تشدید خطر ایجاد شد بیمه گذار باید فوراً آنرا به بیمه گر اطلاع دهد و بیمه گر حق خواهد داشت حق بیمه را زیاد کند و در صورت عدم رضایت بیمه گذار عقد را فسخ کند. ماده ۱۶ قانون بیمه میگوید:

« هرگاه بیمه گذار در نتیجه عمل خود خطری را که بمناسبت آن بیمه منعقد شده است تشدید یا یکی از کیفیات یا وضعیت موضوع بیمه را بطوری تغییر دهد که اگر وضعیت مزبور قبل از قرار داد موجود بود بیمه گر حاضر برای انعقاد قرارداد یا شرایط مذکوره در قرارداد نینمگشت باید بیمه گر را بلافاصله از آن مستحضر کند .

اگر تشدید خطر یا تغییر وضعیت موضوع بیمه در نتیجه عمل بیمه گذار نباشد مشارالیه باید مراتب را در ظرف ده روز از تاریخ اطلاع خود رسماً به بیمه گذار اعلان کند .

و در هر دو مورد مذکور در فوق بیمه گر حق دارد اضافه حق بیمه را معین نموده به بیمه گذار پیشنهاد کند و در صورتیکه بیمه گذار حاضر برای قبول و پرداخت آن نشود قرار داد را فسخ کند »

## بیمه از نظر حقوق مدنی

و اگر تشدید خطر در نتیجه عمل خود بیمه گذار باشد خسارت وارده را نیز از مجرای مثل اینکه اقساطی از وجه بیمه را پس از اطلاع از مراتب از بیمه گذار قبول کرده باشد یا خسارت بعد از وقوع حادثه با و پرداخته باشد دیگر نمیتواند بمراتب مذکور استناد کند. وصول اقساط حق بیمه بعد از اطلاع از تشدید خطر یا پرداخت خسارت پس از وقوع حادثه و نحو آن دلیل بر رضایت بیمه گر بقاء قرارداد میباشد:

اجرای این طریقه برای بیمه های ارضی سهل میباشد ولی نسبت به بیمه های بحری تا حدی بمشکلات برمیخورد زیرا مکاتبه فوری بین طرفین مشگل و غالباً غیرممکن است لذا قوانین بحری طریقه بفرنجی را برای حل این امر اتخاذ نموده اند که بموجب آن تشدید خطر را بنابر علت آن جزء بیمه یا خارج از آن تلقی نموده و به سه فرض ذیل که غالباً اتفاق افتاده است هر یک دارای حکم خاصی میباشد:

### ۱ - تغییر راه

### ۲ - تغییر کشتی

### ۳ - تغییر ناخدا

### فقره یکم تغییر راه :

در بیمه بحری اعم از زمانی یا غیرزمانی غالباً خط سیر مال بیمه شده معین میگردد و اگر معین نشده باشد مثل اینستکه طرفین راه معمولی را قبول کرده باشند تغییر خط سیر یکی از جمله اموری است که ممکن است خطر را تشدید کند و بالتیجه پیش بینی و استدلالات عقلی و احتمالی بیمه گر را باطل نماید:

حال با این وصف باید دید که آیا ممکن است این امر را علت فسخ عقد دانست یا خیر؟ راجع باین موضوع باید قبلاً تشخیص داد که تغییر راه قبل از ابتداء خطر یا بعد از آن واقع شده است.

مقصود از ابتدای خطر اولین لحظه ایست که موضوع بیمه در معرض خطریکه به مناسبت آن بیمه منعقد شده واقع میشود.

بنابراین اگر تغییر راه از ابتدای حرکت بوده این عمل موضوع بیمه را در معرض خطر فرضی نگذاشته است و حال آنکه این امر عنصر اصلی قرارداد بوده و تغییر مزبور طبق ماده ۱۱ تغییر در وضعیت موضوع بیمه است که شاید بیمه گر با این شرط بیمه را قبول نمیکرد و لذا این تغییر مورد فسخ را ایجاب میکند.

ولی اگر برعکس تغییر راه پس از عزیمت پیش آمده باشد چنانکه غالباً هم اینطور است زیرا که کشتی در موقع عزیمت از بندر تا حدی خطسیرش معین و مطابق قرارداد است باید دید که علت این امر چه بوده است.

اگر تغییر راه بعلت یک حادثه فوق العاده بوده است بیمه معتبر و بیمه گر مسئول خسارت خواهد بود و این عمل را میتوان باماده ۱۰ قانون بیمه منطبق نمود ماده ۱۰ میگوید:

## بیمه از نظر حقوق مدنی

« بیمه‌گذار باید' جلوگیری از خسارت مراقبتی را که هر کسی از مال خود مینماید نسبت بموضوع بیمه نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن اقداماتی که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است بعمل آورد ... »

مخارجی که بیمه‌گذار برای جلوگیری از توسعه خسارت مینماید بر فرض که منتج بنتیجه نشود بعهدده بیمه‌گر خواهد بود ... »

از این ماده استفاده میشود که اگر بیمه‌گذار یا نمایندگان او مانند ناخدا و غیره برای احتراز از خطری راه‌را تغییر دهند علاوه بر اینکه بیمه باعتبار خود باقی خواهد بود بیمه‌گر باید مخارجی را که جهت جلوگیری از خسارت بمصرف رسیده است تأدیه کند اگر چه اقدامات مزبور منتج نباشد.

در اینجا بحث است که آیا این حادثه فوق‌العاده که جهت احتراز از آن کشتی مسیر خود را تغییر داده است باید جزء خطرات مذکور در قرارداد باشد تا مسئولیت بیمه‌گر را ایجاب کند یا خیر؟

چون ذکر تمام جزئیات از حوصله بحث فعلی خارج است لذا از بیان این مبحث خودداری میشود و فقط بذکر نتیجه اکتفاء میگردد. در چنین مورد میگویند باید جبران خسارت خطری که برای اجتناب از این تغییر پیش آمده است بعهدده بیمه‌گر باشد تا بتوان او را برای خطر دوم مسئول دانست.

اما اگر تغییر راه بنا بر دستور و اختیار بیمه‌گذار بوده است بیمه‌گر مسئول خسارت حاصله نخواهد بود و در این فرض باید طبق ماده ۱۶ بیمه‌گذار مراتب را به بیمه‌گر اطلاع دهد.

بالاخره اگر پس از عزیمت مسیر معین کشتی تغییر کند و این امر نتیجه عمل ناخدا باشد باید دید که خطرات ناشی از اعمال ناخدا بعهدده بیمه‌گر بوده یا نبوده است و طبق قرار داد رفتار نمود.

ولی اگر ناخدا را نماینده بیمه‌گذار بدانیم اساساً تعهد بیمه‌گر باطل بوده است (ماده ۱۴) علاوه بر اینکه تغییر راه خطر را تغییر میدهد تغییر زمان حرکت نیز موجب تغییر

۱ - عبارت ماده ناقص است و ظاهراً باید بین کلمه ( باید ) و ( جلوگیری از خسارت ... ) واژه بر آن افزوده شود تا جمله کامل گردد و نتیجه عبارت ماده اینطور باشد : بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت ... عبارت مزبور در مجله رسمی وزارت عدلیه بطور فوق نوشته شده و حال آنکه یقیناً این اشتباه در طبع رخ داده زیرا در لایحه‌ایکه از طرف عدلیه تهیه و بمجلس شورای ملی تقدیم شده و در مجموعه حقوقی که پس از تصویب منتشر شده است و صورت مشروح مذاکرات مجلس شماره ۷۸۲ صفحه ۹۷۸/۲ و ۱۳ واژه بر آن دیده میشود اگر چه این موضوع در این مورد چندان قابل اهمیت نیست ولی از آنجا که مجله رسمی عدلیه مناط اعتبار قوانین است باید در طبع آن دقت بیشتری بعمل آید چه بعضاً ممکن است با حذف یا تغییر یک واژه موضوع حکم قانون کاملاً برخلاف مقصد مقنن مفهوم گردد .

## بیمه از نظر حقوق مدنی

خطر میشود و بنابراین در صورت اختلاف در محاکم اثبات زمان حرکت و علت تغییر مسیر امری است کاملاً مؤثر ولی باید دید که کدام یک از طرفین باید تغییر زمان حرکت و علت تغییر مسیر را ثابت نماید.

اثبات تغییر زمان حرکت بعهدده بیمه گر است زیرا میخواهد باین علت بیمه رافسخ کند و اثبات علت تغییر راه با بیمه گذار میباشد چه او میخواهد در جواب تقاضای فسخ اعتبار عقد را بثبوت برساند و این امر را بر اثر یک حادثه فوق العاده بداند.

### فقره دوم تغییر کشتی :

مقصود از تغییر کشتی آنست که کشتی که برای حمل و نقل موضوع بیمه معین شده است عوض شود.

بدیهی است که تمام کشتی ها یکسان نیستند و تغییر کشتی موجب تغییر خطرمی شود و باید مطابق ماده ۱۶ رفتار گردد ( مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۶۱ قانون تجارت فرانسه )

### فقره سوم تغییر ناخدا :

هر گاه ناخدای کشتی موضوع بیمه یا کشتی حامل کالای بیمه شده تغییر کند معلوم است چون مقدرات کشتی و محمولات آن در قسمت عمده مربوط بناخدا میباشد بنابراین تغییر شخص مزبور شرائط خطر را تغییر میدهد.

در اینمورد نیز باید همانطور که در مورد تغییر راه گفته شد عمل گردد: یعنی اگر قبل از حرکت باشد طبق ماده ۱۶ عمل خواهد شد و هر گاه پس از عزیمت باشد و علت آن یک حادثه فوق العاده مثل ناخوشی یا مرگ او باشد طبق ماده ۱۰ عمل می شود و اگر بنا بر دستور بیمه گذار یا میل ناخدا بوده مطابق ماده ۱۶ رفتار میگردد.

تغییر ناخدا که بر اثر فرار یا استعفاء حتی ناخوشی و مرگ باشد قضیه تاحدی قابل بحث است و عملاً برای اینکه باین مشکلات بر نخورند در بیمه نامه ناخدا را معین نمیکنند

### مبحث ششم - موضوع بیمه

#### قسمت یکم مقررات کلی :

بظوریکه در بیان اقسام بیمه گفته شد موضوع بیمه ممکن است شخص یا مال باشد و در بیمه اشخاص هر کس میتواند عمر و مسئولیت حقوقی خود را بیمه دهد و در بعضی موارد نیز میتوان عمر دیگری را بیمه داد ولی همانطور که در بیمه اموال بیمه گذار باید ذینفع در موضوع بیمه یا مجازاً طرف ذینفع یا مسئول آن باشد در بیمه اشخاص هم کسی که عمر دیگری را به بیمه میدهد باید قبلاً رضایت او را تحصیل کرده باشد.

در بیمه اموال اساساً هر شیئی که دارای قیمت بوده و قابل تبدیل بپول باشد قابل بیمه دادن است اعم از اینکه منقول باشد یا غیر منقول عین باشد یا منفعت و بالاخره ممکن است حق مالی یا مسئولیت حقوقی باشد در این موضوع ماده ۴ قانون بیمه میگوید:

« موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه گذار نسبت ببقاء

بیمه از نظر حقوق مدنی

آنچه بیمه میدهد ذینفع باشد و همچنین ممکنست بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه گذار متضرر میگردد .

قید ذینفع بودن بیمه گذار در بقاء موضوع بیمه برای آنستکه بیمه حرفه قماربازان و گروندگان نشود و اشخاصی نتوانند نسبت باموالیکه هیچ نوع نفع و علاقه ای نسبت بانها ندارند شرط بندی نمایند .

موضوع بیمه باید در زمان انعقاد قرارداد موجود باشد بنابراین بیمه عمر کسی که فوت شده یا اساساً وجود نداشته باطل است و بهمین جهت ماده ۱۸ قانون بیمه میگوید:

« هرگاه معلوم شود خطری که برای آن بیمه بعمل آمده قبل از عقد قرارداد واقع شده بوده است قرارداد بیمه باطل و بی اثر خواهد بود .»

هرگاه مطلب مذکور فوق را قبول کنیم بیمه منافع احتمالی باطل میگردد چه منافع احتمالی در موقع انعقاد وجود خارجی ندارد اما در بعضی موارد منافع احتمالی تا حدی قطعی بنظر میرسد مانند مال الاجاره و منافع کالا و لذا مقنن در ماده ۲۲ میگوید :

« در بیمه های ذیل خسارت باین طریق حساب میشود : »

۱ - در بیمه حمل و نقل مال در مقصد .  
۲ - در بیمه منافی که متوقف بر امری است منافی که در صورت پیشرفت امر عاید بیمه گذار میشود .

۳ - در بیمه محصول زراعتی قیمت آن در سرخرمن و موقع برداشت محصول .

بطوریکه دیده میشود در این سه مورد قانون گذار منافع احتمالی را که در موقع انعقاد قرار داد وجود خارجی ندارد قابل بیمه دادن دانسته است و بنابراین مالک یک ملک یا کشتی میتواند مال الاجاره ملک خود را بیمه دهد و همچنین کارگران میتوانند مزد وعایدی خود را موضوع بیمه قرار دهند .

( بیمه در مقابل بیکاری )

بالاخره ممکن است مالی منفرداً موضوع بیمه واقع شود یا اینکه چندین مال مجتمعاً بیمه داده شود نتیجه ایکه از اختلاف گرفته میشود .

اولاً - در صورت تقلب بیمه گذار است که بطلان عقد نسبت بیکی از موضوعات بیمه بسایر موضوعات بیمه نیز سرایت میکنند چنانکه ماده ۳۴ قانون بیمه میگوید :

« اگر در يك قرار داد بیمه موضوعات مختلفه بیمه شده باشد در صورت اثبات تقلب از طرف بیمه گذار نسبت بیکی از موضوعات بیمه بطلان نسبت بسایر موضوعات نیز سرایت کرده و تمام قرار داد باطل خواهد بود .

مطابق قسمت اخیر ماده مزبور « موضوعات مختلفه ایکه در یک بیمه نامه

ذکر میشود در حکم یک قرارداد محسوب است » .

ثانیاً - درموقع جبران خسارت این امر دارای یک اثر مهمی میباشد و آن عبارتست از اینکه اگر برای بیمه گر مثلاً (یک درصد موضوع بیمه معافیت برقرار شده باشد در صورتیکه یکی از موضوعات بیمه خسارتی وارد آید که از میزان یک درصد قیمت آن مال بخصوص متجاوز باشد و حال آنکه از معافیت کل موضوعات تجاوز نماید بیمه گر خساراتی نخواهد پرداخت مگر اینکه موضوعات بیمه را بقسمت‌ها تقسیم کرده باشند .

بعضی از موضوعات بیمه بقدری با یکدیگر مربوط هستند که تفکیک آن تا موقعی که ثابت نشده باشد مقبول نیست : مانند کشتی و لوازم آن که در این قبیل اموال بیمه کشتی شامل بیمه لوازم آن نیز میشود و حال آنکه در پاره‌ای اموال چنین رابطه‌ای دیده نمیشود و بیمه یکی شامل دیگری نخواهد بود .

مثلاً کسی که خانه خود را بیمه میدهد مالااجاره خانه مزبور جزء بیمه محسوب نمیگردد و فقط بعضی متعلقات خانه بنا بر عرف مشمول بیمه خواهد بود .

باری یک مال را بیش از یک مرتبه در مقابل یک خطر برای یک مدت نمیتوان بیمه داد و بطوریکه گفته شد اگر خلاف این فرض قبول گردد بیمه برای بیمه گذار وسیله تحصیل ثروت خواهد گشت و ماده ۸ قانون بیمه نیز مقرر میدارد :

« در صورتیکه مالی بیمه شده باشد در مدتی که بیمه باقی است نمیتوان همان مال را برفع همان شخص و از همان خطر مجدداً بیمه نمود . »  
بدیهی است که ماده ناظر است بموردی که در دفعه اول تمام مال بیمه شده بوده است نه قسمتی از آن و این معنی از ماده ۹ برمیآید که میگوید .

« در صورتیکه مالی بکمتر از قیمت بیمه شده باشد نسبت به بقیه قیمت آن میتوان آنرا بیمه نمود » .

از اینجا نتیجه میشود که یک مال را هیچوقت نمیتوان به بیشتر از قیمت عادله بیمه داد چنانکه ماده ۱۲ قانون بیمه که یکی از موارد بطلان را ذکر میکند مقرر میدارد « چنانکه بیمه گذار یا نماینده او با قصد تقلب مال را اضافه بر قیمت عادله درموقع قرارداد بیمه داده باشد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست » .

عبارت ماده تا حدی قابل انتقاد است چه میگوید :

«.... بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست » خبر جمله اول محذوف است و اگر جمله اول را عطف بجمله دوم بنمائیم مثل اینستکه قانون میگوید بیمه باطل نیست و حق بیمه دریافتی هم قابل مطالبه نیست و لذا بهتر بود گفته شود :  
« بیمه باطل بوده ... » در اینجا بد نیست گفته شود که بیمه گذار باید

## بیمه از نظر حقوق مدنی

نسبت بموضوع بیمه در زمان قرار داد صلاحیت بیمه دادن را داشته باشد و بنابراین کسی نمیتواند خانه ایرا که بعداً خواهد خرید یا مالی که ممکن است ارثاً با او منتقل گردد به بیمه دهد.

### قسمت دوم - انتقال موضوع بیمه

موضوع بیمه ممکن است در ظرف مدت بیمه بدیگری منتقل شود و این انتقال یا بر اثر فوت مالک است و یا در نتیجه معامله ایکه مالک مزبور نموده است.

در هر حال اگر ورثه یا منتقل الیه کلیه تعهدات بیمه گذار را در مقابل بیمه گر اجراء کند عقد بیمه طبق ماده ۱۷ قانون بقوت و اعتبار خود باقی میماند ولی چنانکه سابقاً گفته شد در صورت انتقال موضوع بیمه هر یک از بیمه گر یا منتقل الیه حق فسخ معامله بیمه را دارد.

طبق قسمت سوم ماده ۱۷: « در صورت انتقال موضوع بیمه بدیگری ناقل مسئول کلیه اقساط عقب افتاده وجه بیمه در مقابل بیمه گر خواهد بود لیکن از تاریخی که انتقال را به بیمه گر بموجب نامه سفارشی یا اظهار نامه اطلاع میدهد نسبت باقساطیکه از تاریخ اطلاع ببعده باید پرداخته شود مسئول نخواهد بود». علت اینکه ناقل مسئول اقساط عقب افتاده میباشد اینستکه:

اولاً - راجع باقساط عقب افتاده تا زمان انتقال باید دانست که یک قرارداد بیمه گذار با شخص ثالث نمیتواند اثر قهقراء داشته باشد یعنی تعهدات ناقل را در مقابل بیمه گر تغییر دهد و بعلاوه عقدی که بین دو نفر واقع شده نمیتواند در باره اشخاص ثالث مؤثر واقع شود و حقوق ثابته اشخاص را تغییر دهد و -

ثانیاً - نسبت باقساط تا زمان اطلاع باید اینطور گفت که تا این زمان بیمه گر باعتبار ناقل بیمه را فسخ نکرده و اساساً او را طرف معامله خود میدانسته که بیمه را فسخ نکرده و شاید منتقل الیه دارای اعتبار نبوده است.

حق فسخی که برای منتقل الیه و بیمه گر برقرار شده است باید از حیث زمان محدود گردد و لذا بموجب قسمت دوم ماده ۱۷: « بیمه گر حق دارد در ظرف سه ماه از تاریخی که منتقل الیه قطعی موضوع بیمه تقاضای تبدیل بیمه نامه را بنام خود مینماید عقد بیمه را فسخ کند ». ایرادی که بر این ماده وارد است اینستکه میگوید ناقل مسئول اقساط عقب افتاده تا زمانی است که انتقال را به بیمه گر اطلاع داده و بنابراین اگر ناقل این اطلاع را ندهد مادام که بیمه ادامه دارد مسئول اقساط میباشد و اگرچه بیمه گزار انتقال موضوع بیمه از ناحیه منتقل الیه مطلع شده و عقداً فسخ نکرده باشد. بموجب ماده مزبور حق فسخ بیمه گر از حیث زمان محدود گردیده است ولی قانون برای اجرای حق منتقل الیه مدتی مقرر ندانسته و از طرف دیگر پس از انتقال موضوع بیمه این حق را برای او شناخته است.

حال با این ترتیب می توان گفت که او برای همیشه دارای این حق میباشد. و هر وقت بخواهد میتواند از این حق قانونی خود استفاده نماید. بنظر نویسنده نباید چنین توهمی بشود مگر در موردی که او از بیمه بودن موضوع

### بیمه از نظر حقوق مدنی

انتقال در موقع تملیک و تملک مطلع نشده باشد که در اینصورت میتواند پس از اطلاع یافتن بفسخ قرارداد اقدام کند و الامنتقل الیهی که مثلاً :

اعمال او کاشف از قبولی بیمه بوده چنانکه فی المثل با پرداخت اقساط حق بیمه را تنفیذ کرده باشد دیگر دارای حق فسخ نخواهد بود.

بالاخره در موضوع انتقال وجه بیمه عمر بطوریکه در ضمن قسمت راجع بمیزان خسارت گفته شد بیمه شده میتواند وجه مزبور را بهر کس که بخواهد منتقل نماید و مادام که سند بیمه را به منتقل الیه تسلیم نکرده میتواند ذینفع را تغییر دهد و انتقال مزبور باید بامضاء بیمه گر و انتقال دهنده باشد.

### مبحث هفتم - مدت بیمه

چون ممکن است موضوع بیمه فقط در یک مدت معینی در معرض خطر مورد عقد واقع شود یا اینکه همیشه آن مال در معرض خطر مزبور باشد لذا بیمه را به بیمه زمانی و غیر زمانی (بیمه حمل و نقل) تقسیم کرده اند :

در بیمه حمل و نقل مدت بیمه از روز اول باربندی شروع شده و برسیدن مال بمقصد ختم میگردد.

اما در بیمه زمانی چون مال همیشه در معرض خطر است باید طبق جزء ه ماده ۳ قانون بیمه ابتداء و انتهای مدت بیمه معین شود.

گاهی زمان بیمه از مدت مقرر تجاوز میکند و آن عبارت است از زمان تعمیر یا ترمیم که این مدت هم طبعاً در تحت پوشش بیمه قرار میگیرد و یا در مورد بیمه حمل و نقل اگر برای آن مدت معین شده و در انتهای آن مال بمقصد نرسیده باشد باید بیمه را در خارج از مدت خود ادامه داد و بیمه گذار اضافه حق بیمه را (تا وصول موضوع بیمه بمقصد) به بیمه گر پردازد.

چون تعهد بیمه گر از حیث زمان محدود بیک مدت معینی است پس اگر حادثه ای در خارج از این مدت بوقوع برسد (باستثناء موارد مخصوص که ذکر شد) بیمه گر مسئول آن نمیشود.

از این مطلب این نتیجه را میگیریم که تعیین مدت بیمه نهایت اهمیت را دارد و چنانکه گفته شد برای مواردی که مدت مزبور معین نشده باشد باید قانون حکمی بیان کند و اصولاً هر گاه نکاتی که باید در بیمه نامه ذکر شود سهواً یا عمداً ذکر نگردد و یا بطور مجمل باشد و میگویند باید قرارداد را بنفع بیمه گذار تغییر داد و دلیل این امر این است که بیمه گر موظف بوده است نکات مزبور را قید نماید و اگر در اجراء وظیفه خود قصور یا تقصیر کرده باید نتیجه عمل خود را متحمل شود :

اگر مدت بیمه صریحاً معین نشده باشد باید حتی الامکان آنرا از روی قرائن و امارات مشخص و معین کرد و چنانکه در سبب بیمه نامه گفته شد برای تشخیص مزبور و تعیین مسئولیت بیمه گر طرق مختلفی میتوان تصور کرد.